



www.shahrvand-newspaper.ir

صاحبانیت: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: اسماعیل رمضانی

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه- ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح - کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کد پستی: ۴۴۹۵۶۱۰۰ - فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - تلفن: ۶۶۸۱۸۱۶۸
شبکه توزیع فروش: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۵۴۰۸۱۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۷ - سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۶۲۶۶۲

میتان نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه شهروند را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/Misagh_Name

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

حاشیه نویسی

شمال چه خبر است؟

ادامه از صفحه اول -سه- خبرها زیاد است. این چند روز تعطیلی بازار خبر را تعطیل نکرده. یکی از خبرها هم این بود که دخترها رفتنند پشت در استادیوم برای تماشای بازی تیم ملی اما راهشان نداده‌اند. ظاهراً درگیری هم شده. چند تا از دخترها هم بابت برخورد شدید ناراحت شده‌اند، اما هدایت توپیت کرده‌اند. می‌گویند این چه وضعی است. حق ما را بدهید. ما هم حق داریم برویم داخل ورزشگاه فوتبال نگاه کنیم. راستش دقیقاً مشخص نیست که اگر می‌رفتند داخل و می‌نشستند بازی تیم ملی مقابل سوریه را می‌دیدند، چه اتفاق بدی برای خودشان و دیگران می‌افتاد. اما تردیدی وجود ندارد که اگر این طوری می‌شد، عده‌ای دوباره ابراز ناراحتی می‌کردند. هیبت‌هایمان، حالا البته اتفاق خاصی نیفتاده. خبر مهمتر و اتفاق مهمتر همان بود که در فولاد آرنا شاهدش بودیم. سر بازی پرسپولیس و داماش در فینال جام حذفی. همان بازی که چند ساعت دیر برگزار شد و ملت حسایی جوش آوردند. همان که برای تماشاگران هوادار داماش جایگاه در نظر نگرفته بودند و شرس شد. حالا خبر رسیده که گزارش این بازی را فرستاده‌اند برای آقای رئیس جمهوری. خوب هر هفته در فوتبال ما دعوا و درگیری است. رئیس جمهوری مملکت که نمی‌تواند کارش را تعطیل کند و به تنگ کاری‌های فوتبال پرسد؟ البته آقای روحانی آن گزارش را هم ببیند، سخت نتواند دستوری بدهد. همه عوامل آن بازی و کسانی که ممکن است مقصر باشند، جزو مسئولان و عزیزان ما هستند. نمی‌شود پشیمان دست زد. همه قبلاً به عنوان بهترین مدیر و خیرترین مسئول انتخاب شده‌اند. چطور می‌شود عوض شان کرد. تازه کی را بیاوریم بهتر از اینها. اینها شاید از همه بهتر باشند. مهم این است که حواس مان باشد آن چند تا دختر یکپهوا از آن طرف نروند توی استادیوم.

چهار- خبیر آمده که ایرانی‌ها وان ترکیه را قرق کرده‌اند. مسئولان شهری گفته‌اند دیگر نیاید. هتل‌ها و مهمانپذیرها پر است. جانداریم. اما ایرانی‌ها نمی‌توانند به این حرف‌ها توجه کنند. چون اگر وان هم نروند، باید بروند در ترافیک جاده شمال بمانند. آخر وان چه خبر است که این همه ایرانی با قطار و اتوبوس و خودروی شخصی راه می‌افتند خود را می‌رسانند به وان. دوباره کنسرتی چیزی بوده؟ به پیچه‌های گروه اجتماعی گفتیم گزارشش تهیه کنند و ببینند چرا امردم حمله می‌کنند به وان؟ آن جا چی پیدا کرده‌اند؟ فرقش با شمال چیست؟ البته تاین جا یک فرقش را می‌دانیم و آن هم این است که کنسرتی نظارتی بر وان ندارند و زیناد از جزئیات ماجرایش خبر ندارند. یک فرق دیگر وان هم این است که اگر ما ماشین دور دور کنی، کسی ماشینت را نمی‌خواباند. خبرش را که خوانده‌اید. پلیس گفته در همین دوسه روز اخیر نزدیک به ۶۰ خودرو را به خاطر دور دور خوابانده. دور دور دیگر چه صیغای است؟ والا ما نمی‌دانیم. از پیچه‌ها خواستیم با پلیس صحبت کنند، بپرسند که شرایط دور دور چیست. اگر بدانیم اقل حواس مان هست که یک وقت تخلف نکنیم. اما خوبی وان ظاهر این است که دور دور و از این ماجرا ندارند. یعنی برای این راه می‌افتند می‌روند وان؟ راستش ما نمی‌دانیم. داریم گزارش تهیه می‌کنیم. اما بعید است با این گزارش‌ها هم چیزی دستگیرمان بشود. بالاخره مردم چرا این همه می‌روند شمال؟ چرا می‌روند وان؟ چرا سخنرانان اینقدر عصبانی‌اند؟ چرا ماموران استادیوم از دست دخترها ناراحت‌اند؟ چرا همه از دست هم دلخوریم؟ حالا با این دلخوری‌ها چاره چیست؟ برویم شمال؟ برویم وان؟ کجا برویم؟ چرا کسی کمی راهنمایی مان نمی‌کند؟

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، ظروف چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و گمد قرار دهید.



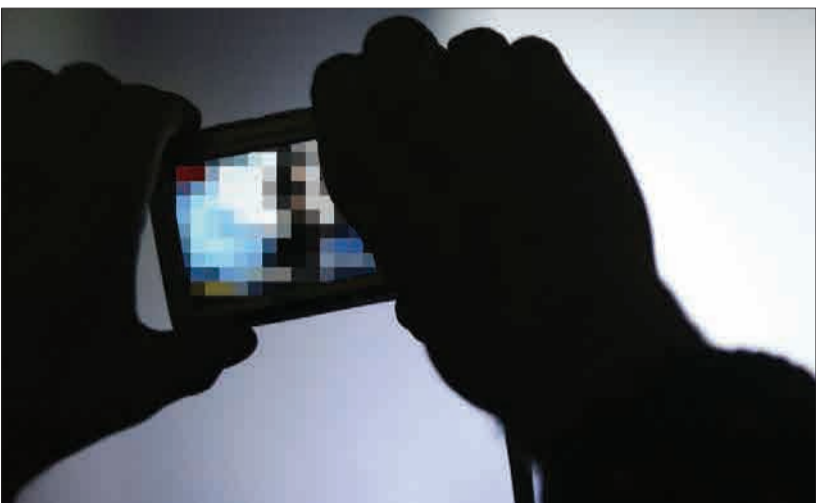
رئیس جمهوری:

ابلاغ قانون حمایت از کالای ایرانی

حسن روحانی، رئیس جمهوری یک قانون مصوب مجلس شورای اسلامی را برای اجرا به وزیر خارجه و وزارت صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور ابلاغ کرد. بر این اساس، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» را جهت اجرا به وزیر خارجه و وزارت صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ کرد.

پلیس تکذیب کرد اما داسرای ارشاد تهران از سامانه‌ای می‌گوید که مردم می‌توانند تخلفات شخصی را به آن گزارش کنند

شماره تماس اسرار آمیز



دو روز پیش یکی از کاربران توئیتر در حساب کاربری‌اش شماره سامانه پیامکی ۱۹۷ ۱۱۰ را نوشت و از مردم خواست که در صورت مشاهده بدحجابی، شماره پلاک خودرو یا موتور مورد نظر را به همراه محدوده جغرافیایی به آن شماره پیامک کنند. این توئیتر چنان در فضای مجازی و واقعی بازتاب پیدا کرد که واکنش‌ها به آن هنوز هم ادامه دارد. در خود توئیتر هم ماجرا ابعاد زیادی پیدا کرد تا جایی که عده‌ای شروع کردند به ترغیب دیگران برای ارسال شماره‌های پلاک‌های رندوم به سامانه پیامکی و عده‌ای دیگر هم انگشت اتهام را به سمت نیروی انتظامی گرفتند. اتفاقی که باعث شد حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران دست داشتن پلیس در ماجرا را تکذیب کند و بگوید: «هیچ شماره‌ای در خصوص گزارش افراد بی‌حجاب در خودرو وجود ندارد. ما دنبال این هستیم تا ارتباط رایانه‌ای بین پلیس و مردم وجود داشته باشد و مانند سامانه ۱۱۰ عمل کند اما در حال حاضر چنین چیزی در تهران بزرگ وجود ندارد.» کمی بعد خبر گزار می‌زان به نقل از سرپرست داسرای ارشاد بدون اشاره به سامانه پیامکی جنجالی نوشت:

«اعلام یک شماره و راه ارتباطی در جهت تسریع در روند برخورد قانونی با جرایم منافی اخلاق و عفت عمومی اقدام مهم و موثری است که این روزها از سوی داسرای ارشاد تهران صورت گرفته است.» بنابر نوشته خبر گزار قوه قضائیه سرپرست این داسرای ارشاد و بنیان اخلاق مدار تهرانی خواسته است که به محض مشاهده هر گونه «کشف حجاب در خودرو»، «کشف حجاب یا سرو مشروبات یا برگزاری مراسم مختلط رقص در اماکنی همچون سفره‌خانه، کافه، رستوران، مراکز خرید، باغ تالار...» «اطلاع از برگزاری پارتی‌های شبانه یا خانه‌های فساد و فحشا»، «انتشار مطالب برخلاف عفت در اینستاگرام و...» موضوع را پس از جمع‌آوری مستندات لازم در اختیار مراجع قضائی قرار دهند. نقل این حرف‌ها از زبان سرپرست داسرای ارشاد نه تنها به فرونشستن واکنش‌ها

کمکی نکرد بلکه باب دیگری هم برای بررسی موضوع و انتقاد از ماجرا باز کرد، مثلاً مصطفی تاجزاده، سیاستمدار و چهره شناخته‌شده توئیتر در حساب کاربری‌اش نوشت: «مستند قانونی داسرای ارشاد تهران در درخواست از مردم برای تهیه عکس و فیلم از بدحجابان و... چیست؟ این روش هرچند مروج آفرین دست اراذل و اوپاش را در ایجاد مزاحمت برای شهروندان به‌ویژه بانوان باز می‌کند تا به بهانه اطلاع‌دادن به پلیس از هر زنی عکس و فیلم بگیرند و به آزار و حتی اخذی از او بپردازند.» این همان منطقی است که منتقدان براساس آن می‌گویند ترویج و تشویق مردم به کنکاش علیه هم عواقب نامناسبی نخواهد داشت و منجر به فضایی پلیسی خواهد شد. اگر چه پلیس استفاده از پیامک برای دریافت گزارش‌های مردمی را تکذیب کرد و سرپرست داسرای ارشاد هم بدون اشاره به آن حرف یک جنجال تازه ساخت اما با جست‌وجوی

شماره پیامک ۱۹۷ ۱۱۰، به حرف‌های ۶ سال پیش رئیس بازرسی فرماندهی انتظامی استان مرکزی می‌رسیم که از مردم خواسته بود از طریق این شماره با نیروی انتظامی در ارتباط باشند اما در حرف‌هایش نشانی از درخواست برای گزارش بدحجابی نبود. سال بعد هم نیروی انتظامی همین شماره را راه تماشایی برای دیدار حضوری مردم با مسئولان ناجا خواند. در حالی که واکنش‌ها به این ماجرا ادامه دارد، پلیس تهران هم خبر داده که در دور جدید مقابله با آن چه «دور دور» در خیابان نامیده می‌شود، از سه‌شنبه گذشته تا روز جمعه ۱۷ خرداد ۵۵۹ دستگاه خودرو توقیف، ۱۳ فرد متخلف بازداشت و هزار و ۸۸۳ خودرو «اعمال قانون» شدند. خبری که تازه در حال داغ‌شدن در فضای مجازی است و معلوم نیست که می‌تواند حاشیه‌های خبر قبلی را تحت‌تأثیر قرار دهد یا نه؟

آقای

در جست‌وجوی عکاس باز یگوش نفور

◀ نعمت احمدی، حقوقدان در گفت‌وگو با «شهروند»: «فردی که تصاویر گردشگران سد نفور مازندران را گرفته و منتشر کرده هم مرتکب خلاف شده»

شهروند همزمان با ایام تعطیلات در سد نفور واقع در سوادکوه از توابع استان مازندران، عده‌ای با پوشش متفاوت و خلاف عرف در مکانی عمومی با قایق به تفریح پرداختند که تصاویر منتشر شده از این افراد، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. آخرین خبر درباره این تصاویر جنجالی هم به این‌جا کشید که روز گذشته قایق‌های حامل گردشگران توقیف و مسئول گردشگری سد هم از سوی مقامات قضائی احضار شد. علی‌مطهری با اشاره به اقدام هنجار شکنانه در سد نفور توئیست کرد: «تعجب است از دادستان مازندران که پیش تصاویر ناهنجاری‌های رخ داده در سد نفور سوادکوه در روز عید فطر را تخلف دانسته، تا همین‌جا این گونه قانون شکنی‌ها ادامه داشته باشد. وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی هم باید پاسخگو باشند.» اما دامنه واکنش‌ها به این موضوع ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت، تا جایی که دادستان عمومی و انقلاب مازندران نیز طی گفت‌وگویی عمل این گردشگران را هنجار شکنانه و مصداق ولنگاری، فحشا و جرم عنوان کرد. سید یونس حسینی عالمی، «با بیان این‌که دستگاه قضائی به ضابطان انتظامی دستور شناسایی این افراد را داده و با این گردشگران خطای برخورد قانونی خواهد شد، گفت: «اقدام نخستین شخصی که این تصاویر را پخش کرده، مصداق اشاعه فحشاست، چرا که عاقدانه و به قصد زیر سوال بردن نظام آن را پخش کرده است.» عالمی بعد از این گفته‌ها خبر از جلوگیری تور گردشگری مختلط در سد نفور و راه‌اندازی قطار گردشگری مختلط در سوادکوه را داد. اما دانگن پیامک می‌آید و وسیع بود که پای بعضی دیگر از مسئولان هم به حاشیه نویسی و توئیست گذاری و گفت‌وگو باز شد و هر کدام نظراتی در این باره مطرح کردند. مثلاً حسین حسن نژاد سورکی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار مازندران، دلیلی را در این باره عنوان کرده بود که به نظر توجیهی منطقی می‌رسید و علت برخورد نکردن با این موضوع را «حجم بالای حضور گردشگران و گستردگی استان» دانسته بود. در این میان «شهروند» هم تلاش کرده از زاویه قانونی ماجرا را ببیند؛ این‌که نص صریح قانون درباره چنین هنجار شکنی‌هایی چیست و البته مهمتر این‌که تصویر برداری و عکس گرفتن از چنین اعمال منافی عفت، چه وجه قانونی دارد؟ در همین مورد نعمت احمدی، حقوقدان به «شهروند» گفت: «مکانی که تصاویر از آن منتشر شده، عمومی است و مکان خصوصی محسوب نمی‌شود.» نعمت احمدی در پاسخ به این سؤال که آیا صاحبان تصاویر جرمی مرتکب شده‌اند، گفت: «بر اساس قانون مجازات اسلامی و با توجه به این‌که این افراد پوشش مناسب و متناسب با عرف، سنت، شرع، فرهنگ و آیین ما نداشته‌اند، جرم مرتکب شده‌اند و بر این اساس مجازات خواهند شد.» این استاد دانشگاه درباره این‌که استدلال پلیس برای ورود به این مسأله چیست، بیان کرد که «پلیس از این منظر هم می‌تواند ورود کند که حاشیه‌ها و اطراف مکانی چون سد امنیت کافی برای گردشگران ندارد. این عدم امنیت هم می‌تواند به حوادث غیر طبیعی برگردد و هم حوادث طبیعی.» او در ادامه افزود: «بدحجابی در مکانی عمومی جرم محسوب می‌شود و این اختیار را قانون به مقامات قضائی و پلیس به عنوان ضابطان قضائی آن داده است.» احمدی در پایان گفت که «فردی که تصاویر را گرفته و منتشر کرده هم مرتکب خلاف شده و جرم خصوصی این افراد را نقض کرده است.»

یادداشت ۲

چهار نکته در مبارزه مسعود با حسام!

ادامه از صفحه اول | از همین منظر نه یک منتقد هنری که منتقدی سیاست‌پیشه محسوب می‌شود. او دلش می‌لرزد که یکی بگوید: روس‌ها دروغ گفته‌اند! غافل از این‌که آشنا دروغ را عملی عام در نزد تمام دولت‌ها دیده، آنچنان که مفاهیم سریال به مثابه سخنی ضد ماکیاولی دیده شود.

۲- فراستی در دانشگاه جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی خوانده و لیسانس خود را با تزی دربار سرمایه‌داری در جهان سوم گرفته و هنوز تمام دلمشغولی‌هایش معطوف به آن است. آنچنان که در هر فیلم، در هر گفته و در هر مولفی به دنبال دشمنی بزرگ و توطئه‌های بزرگتر است، توطئه‌های که نظام سرمایه‌داری آن را پرداخته و وسعت بخشیده و هیچ‌کس نمی‌بیند جز او.

۳- فراستی اسفند ۱۳۵۷ به ایران آمده. مدتی زندان بوده، چپ بوده و عضو حزب رنجبران یکی از احزاب انشعابی از حزب توده و سه‌سال و نیم زیر حکم اعدام، بنابراین این ساخته‌های ذهنی و نقدهای صریح او نه زاده همگرای و عشق به مردم که پرداخته ذهنی است که با خواندن و فقط خواندن! می‌خواهد با شتاب از گذشته ناجور خود عبور کند و از جنس ناجی خود نشود و خود تبدیل به ناجی شود. طبیعی است که این نگاه با نگاه حسام‌الدین آشنا متفاوت باشد. کسی که در ۱۶ سالگی به سپاه پاسداران پیوسته، در ۱۷ سالگی به نویسندگی و اجرای برنامه‌های رادیویی پرداخته، دارای مدرک کارشناسی ارشد معارف اسلامی و تبلیغ و دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات از دانشگاه امام صادق (ع) و از شاگردان مهدوی کنی بوده و دست آخر این‌که مشاور فرهنگی روحانی در دولت است. نگاه فراستی به سریال، نگاه به توطئه اردوگاه راست علیه اردوگاه چپ است و نگاه آشنا؛ دلسوزی برای مسئولان و توصیه به عبرت‌آموزی از تمام جدل‌های تاریخی. آشنا یک مشاوره فرهنگی ساده داده، اما فراستی وارد جدال هیجکاکی‌ها — تا رکوفسکی‌های سال‌های آوینی شده ...

۴- آشنا گاه نابهنگام حرف می‌زند، هم فراستی. شاید هر دو عاشق دیده‌شدن باشند. اما اینبار یکی از بهنگام‌ترین توصیه‌های آشنا را شاهد بودیم و یکی از بی‌هنگام‌ترین مواضع فراستی. شاید دلیلش ساده باشد؛ مردم از سیاست خسته شده‌اند. این را چر تو بیبل می‌گوید. این را آشنا فهمیده، اما فراستی هنوز صید خود را از سیاست نکرده. نگاه آشنا به سینما، نگاه به زندگی مردم است و فراستی این یک مورد را فهمیده، چون برای فهمیدنش مطالعه و تماشای کافی نیست، باید با مردم زندگی کرد.

یادداشت ۱

بلا موضوع کردن قانون گذاری

ادامه از صفحه اول | فراموش نکنیم مطابق آموزه‌های دینی اصولاً تابعیت بی‌معناست و این فقط یک مفهوم قراردادی است. حال چگونه پذیرش تابعیت و حقوق ناشی از آن برای چند هزار کودک که از زنان مسلمان ایرانی زاده شده‌اند، باید مشروط و مقید شود؟ آیا تا به حال اعضای محترم شورای نگهبان هیچ‌گاه متعرض این شده بودند که چرا چنین تبعیضی برای هزاران کودک بی‌گناه روا داشته شده بود؟ ۱۰ سال دیگر هم به آنسان تابعیت داده نمی‌شد، صدایی از کسی در نمی‌آمد. بنابراین مصوبه شورای نگهبان، هم از حیث عبور از صلاحیت وظایف این شورا و هم از حیث منطبق به کار برده شده نادرست است.